



سال سیزدهم / شماره ۴۵ / خرداد ۹۸
قیمت: ۲۰۰۰ تومان



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بجنورد
مدیر مسئول: صادق شاکری
سر دبیر: مهدی عباسی
دبیر هیئت تحریریه: زهرا وفاپیان
هیئت تحریریه:
فانزه هوشنگی، رضوان علیزاده، فاطمه حشمتی
شهریانو حسینی، سید محمد جعفری
طراح و صفحه آرا: هادی اسدی

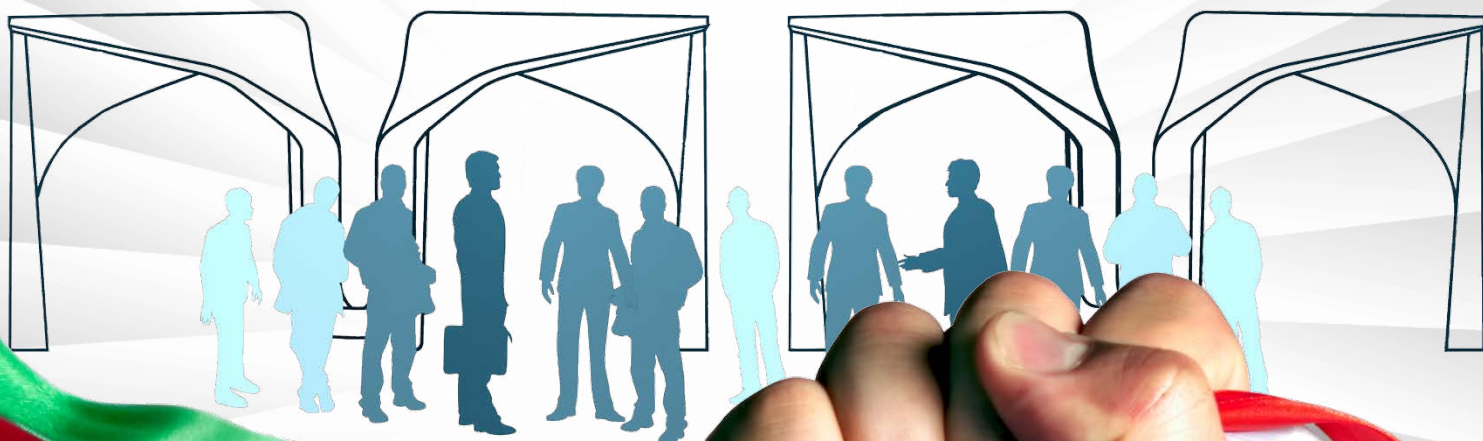
صفحه ۲

بودجه، پَر

صفحه ۵

ظهر دوشنبه

عزیزم کجایی؟ دقیقاً کجایی؟! | صفحه آخر



غبار بر سیمای جریان مطالبه‌گری دانشجویی

در صفحه ۲ بخوانید....

سخن سرد پیر

← مهدی عباسی

■ گام_دوم_گام_پویا

در روزگاری نه چندان دور ، مردمانی از جنس خودمان ، نسلی برآمده از حس و حساسیت و سرزندگی و تحرک ، ندای رهبری برآمده از دل خود را دلیرانه و وفادارانه لبیک گفتند و با روحیه ای که ریشه در همتی شگرف و ایمانی استوار داشت ، شاید بزرگ ترین پیویش و حرکت اجتماعی - سیاسی عصر خود و به ژرفنای معنای واژه ، یک انقلاب بزرگ را رقم زدند!

انقلاب فرخنده ای که ریشه در آرمان های
متمعالی یک ملت رنج دیده و ستم کشیده داشت!
و چنان زلزله ای عمیق جهان را لرزاند؛ زلزله ای
که بر اثر هم افزایی چهار گسل بزرگ و دیرینه ظلم
و تحقیر و استبداد و سرخوردگی چندصدساله این
ملت جوشیده بود؛ و در حکم پاسخی کارا، سنگین
و سنجیده به استثمار داخلی و خارجی و نشانگر
روحیه انتقامجویی و عدم انفعال و پویایی جامعه
ایرانی بود و تاوان سختی بود که جریان وقیح و فضیح
استکبار، متمدن چندصدساله باید می کشید و کشید!

و حالا این انقلاب مبارک وارد مرحله دوم پویایی ،
نشاط و تحرک خود گردیده است!

گام دوم انقلاب ، یعنی ورود به مرحله ای جدید از بالندگی ، جامعه سازی و تمدن پردازی !
و هجدر واژه گام دوم ما را یاد این بیت ماندگار صائب می اندازد ، آنجا که نوشت :
از کوی تو تا کعبه مقصود دو گام است !

و دور نیست ، اگر گام دوم انقلاب اسلامی را در معنای همان گامی بگیریم که انقلاب را به کعبه

حرکت به سوی تمدن و پیشرفت یا حرکت به سوی ...؟

← استاد حسین لشکر دوست

مقصود می‌رساند ، مقصودی که چیزی جز پیروزی کامل فقرا بر اغنیا و زمینه سازی برای برپایی حکومت عدل جهانی توسط منجی بزرگ عالم بشریت نیست!

انقلاب شبیه یک رود است ، اگر چه پیچ و خم های زیادی را طی می کند اما هرگز مقصد و مقصود خود را که همان وصل به دریای عدالت و آزادی و برابری است ، نباید از یاد ببرد!

که اگر این پیچ و خم ها موجب انحرافی پایدار و جدی شود ، مسیر انقلاب از خط اصلی خود خارج و دچار بازگشتی نامیمون به همان جریانی که برای ناپودی آن انقلاب شده است ، می شود!

■ بیا به گام دوم انقلاب بیش از هر چیز متضمن ایستادگی محکم تر در برابر ترمیدورهای پیش روی انقلاب از قبیل بدعت‌های ناگوار که امروز فضای سیاسی کشور را ملتهب و اقتدار جهانی کشور را دستخوش آسیب یا تضعیف می‌کند، می‌باشد. هم چنین تأکید بر ادامه مسیر بشرف و تبیین اصل امیدواری و امیدبخشی و مقابله با نیرنگ یاأس افکنانی است که مغرضانه نمره انقلاب را جز شکست و نومیدی نمی‌بینند یا نمی‌توانند.

بیانیه گام دوم انقلاب، کاوشی ست بدیع، ژرف و مقتضی به زمان، در راستای پیمایش همان مسیر نخست! و همان اصول مسلم و ثابت و لایتغیر! همان اصولی که اگر چه انقلاب نسبت به نقد آنها و افکاش مثبت نشان می دهد، اما از اعتقاد به اصل و حقیقت آنها هیچگاه برنخواهد گشت! به عبارتی دیگر، این مسیر، بازگشت بردار نیست! و تحقق بخشیدن بدین اصل، امروز وظیفه ایست بس گران بر دوش نخبگان و دانشجویان جامعه تا با تبیین های عاقلانه

و خردورزانه راه‌های بازگشت یا عقب نشینی از ارزش‌های اصلی انقلاب و مسیر وابسته کردن اقتصاد و فرهنگ کشور به خارج از مرزها را که از رهگذر لایحه قراردادهایی چون پراجام FATF، ... صورت می‌گیرد و چالش روز فضای سیاسی کشور ماست - مسدود و زیر پرچم تفکر متین انقلابی با آن مقابله کند!

فضای سیاسی کشور ما امروز بیش از هر چیز نیازمند انصاف نگری در قضاوت اشخاص و پدیده‌هاست و این انصاف نگری متضمن یک حافظه قوی سیاسی است. حافظه‌ای که بداند کجا بوده و اکنون کجاست!

■ بیانیه گام دوم انقلاب یعنی تقویت حافظه سیاسی، یعنی کنار زدن غبار های شایعه پراکنی، بدبینی و غرض ورزی های دشمنان و دیدی شفاف تر و مقرون تر به حقیقت! و این نگاه مقرون به حقیقت اگر در متن و بطن جامعه سیاسی و حتی عوام جامعه رنگ و لعاب عمیق تری بگیرد، هدف بعدی یعنی مقابله با تمریدور های پیش روی انقلاب را تسهیل و تسريع می کند!

گام دوم انقلاب یعنی نگاهی ژرف تر و منصفانه تر و بدیع تر به گام اول و یک خیزش و پویش عمیق در راستای آن!

خیزشی که قطعا اگر بنا باشد که شکل بگیرد از دل جنبش های دانشجویی و فضای نخبگانی کشور شکل خواهد گرفت؛ در همین راستا گام پویا پس از آن چندی رکود فصلی جدید با ماموریتی جدید از فعالیت خود را آغاز می کند. ماموریتی که جز تلاش برای احیای فرهنگ مطالبه گری در راستای مفاد بی‌پایانیه ای دوم نیست. اینک گام پویا گام دوم خود را گامی که ده دست

که افراد صالح را چطور شناسایی کنیم؟ یکی از منابع اطلاعاتی مورد اعتماد بین مردم قطعا اقشار و صنوف فرهنگی جامعه و از جمله دانشجویان می باشند. از آنجا که جامعه نیازمند بصیرت کافی در شناخت صحیح کاندیداها می باشد، قسمت عمده ای از این نیاز را دانشجویان با بصیرتی می توانند مرتفع نمایند. بصیرت یعنی شناخت درست افراد و امورات زندگی جامعه. افزایش بصیرت نیازمند خودسازی و تعزین و تلاش در جهت صحیح است.

آن شاء... دانشجویان گرامی با بالابردن بصیرت خود و بصیرت افزایی صحیح در جامعه، به انتخاب مسئولینی صالح در جامعه و پیشرفت کشور، نقش سازنده ای داشته باشند.

غباربر سیمای جریان مطالبه گری دانشجویی

← زهرا وفايان

موقفیت هر حرکت اجتماعی، نیازمند همکاری و همراهی نقش‌های متعددی است. یکی از این نقش‌ها ناظران و مطالبه‌گرانی هستند که قرار است چشم‌بیدار جامعه باشند و تحقق یا عدم تحقق اهداف این حرکت‌های اجتماعی را گزارش کنند. بخشی از این نقش را، رسانه‌ها و خبرنگاران ایفا می‌کنند. بخش دیگری نیز بر عهده جوانان به‌ویژه دانشجویان است.

منظور از مطالبه‌گری، حساس و پیگیر بودن مردم نسبت به حقوق اجتماعی‌شان است که در قوانین کشور تصریح و تأکید شده‌است. لازمه مطالبه‌گری، آرا‌من‌گرایی و واقع‌بینی است. این دو باید دوشا دوش هم

باشند تا با

اطلاع از خطوط قرمز و رعایت
چارچوبها، مطالبه‌گری
مدنظر رهبری به وقوع
پیوندد. مطالبه‌گری و اطلاع از
شیوه‌های آن، همچون خونی
می‌ماند که میتواند در شریان
بیشرفت و آبادانی و ریشه‌کنی
فقر و محرومیت در جامعه
نقش ایفا نماید.

بودجه، یر

← صادق شاکری

اینجا بودم برای هر کاری هست الا کار فرزند! او را که در دانشگاهی رفتم، بعد از سه روز در دانشگاه جوانان را به ایامی مقرر، فضای فرهنگی و دانشجویی را متعلق از حضور خویش کرده است و مانع اشتغال خاطر کار فرهنگی در دانشگاه گردیده است. فرهنگ و متعلقاتش آنقدر خطرناک است که اگر وارد شود و عرصه کار را به بخش مصروف سایر بخش های ظاهراً مهم - از دانشگاه با زبان عرصه فرهنگ - شود، باید نشست و گوش فرا داد که چه کسی در شبیر جنگ فرهنگی می رعد و آسوده خاطر، زیر کرسی بن فرهنگ می له! اقتصاد سالیانیت در آن که خانه خالیست و همه در جنگ و راه روح با قشر بسیار جامعه که خرج فرهنگ کم کنید که اوضاع مالی اشکال است!

مطالبه‌گری در سطح دانشگاه‌های کشور کم‌رنگ شده است در حالیکه دانشگاه باید مکانی برای افزایش قدرت تحلیل و مطالبه‌گری دانشجویان باشد و مطالبه‌گری جزئی از روحیه دانشجویان است. مفهومی که در گذر زمان از چهره جریان دانشجویی رنگ باخته است.

در یک سو دانشجویان مسبب این مسئله هستند و در سوی دیگر مسئولین دانشگاهی، استانی و کشوری!

انفعال و عافیت طلبی بعضی از دانشجویان، سرگرم شدن دانشجویان به امور شخصی و روزمره، ضعف آگاهی و نداشتن اطلاعات کافی در خصوص مسائل جاری کشور در کمرنگ شدن این جریان تأثیر بسزایی داشته است همچنین به نظر می‌رسد

برخی مسئولین امر در دانشگاه
ها متأسفانه از ترسیم یک هدف مشخص و
تبیین مسئله بسیار مهم مطالبه‌گری غافل
بوده و با ایجاد جوّ امنیتی در دانشگاه، به
دانشجو جرئت حرف زدن نمی‌دهند چه رسد
به مطالبه‌گری! علاوه بر این، عدم توجه
مسئولان به مطالبات دانشجویی، نامیدی
و خستگی دانشجویان را در پی خواهد
داشت. شنیده‌ها حاکی از آن است که
گاهی مسئولین دانشگاهی، از طریق باج
دادن (پیشنهاد کار دانشجویی با مزایای
بالا و ...) و یا تهدید کردن، درصدد
خاموش سازی مطالبات دانشجویان
برمی‌آیند.

دانشجو باید کجی ها و عیب ها را ببیند و سوال کند، باید از آن روزی ترسید که دانشجو در دانشگاه، انگیزه طرح مساله را نداشته باشد. لشکر جوانان و مومن و انقلابی باید وارد میدان مطالبه دائم و هوشیارانه آرمان ها و کمک به تحقق اهداف انقلاب شود و در این راه به یاد بسپارد که مقام معظم رهبری مدت هاست که فرمان آتش به اختیار را صادر نموده است و در این راه، هیچ کس مصونیت آهنین ندارد و همه در مقابل قانون و مسئولیت های خودشان باید پاسخگو باشند، آفت جریان مطالبه گری آن جاست که جوان دانشجو، تبدیل به ابزار دست جریانات مختلف شود و خود، تامل و اندیشیدن را تعطیل کند و صرفاً بلندگویی برای خواسته های دیگران شود.

دانشجوی انقلابی باید بداند، رمز اصلی حل مشکلات کشور، پرهیز کامل از ناامیدی و خستگی و توکل بر خدا است. اگر دانشجویان و تشکل های دانشجویی در این راه ایستادگی کرده و با تأثیر بر آذهان عمومی، خواسته های به حق خود را به گفتمان عمومی تبدیل کنند، قطعاً مسئولان مجاب خواهند شد تا به مطالبات آن ها جامه عمل بپوشانند. بنابراین، این راه دانشجویی می خواهد انقلابی، که اهل عمل در کف میدان باشد و دغدغه برای اصلاح امور، نمایشی نباشد. امید است با اتکا بر خداوند متعال و تلاش برای تحقق مبنای مقام معظم رهبری و مدیریت ارگان های تصمیم ساز دانشگاهی و پشتیبان قشر فہم دانشجوئی، شاهد غرور براری در سیمای گفتمان مطالبه گری در سطح دانشگاه باشیم.

به یاسان یک سرای برین عطر بود چرا که رفته که کمال این عطر
 پنهان گشته این عطر در دهه ها که هم که روزگار جاسوسان به
 بهانه نبودش ، گوشت می رقصاند و خاموش می کنند .
 ناگاه از گوشه کن شدیم !!!!
 سرداران دانشگاه شیشه ها عطر نازک خالص بود چرا که
 حواصی تحویل سال و نبود دانشگاه در دانشگاه ، به یاسان
 ایثار و مذاکره ، از جان گذشتی ، به جان خریدن
 خطرات و از همه مهم تر غیبت سایر سر ، شری معظم در
 خانه در ساعت اداری ، دوری و طراوت این صفت
 عاشق برای شرکت در جهاد می سیاحت از ... بدین
 هیچ چشم داشته مالی ، اندرون کاندوئین ای که
 این مجیدان ملت رفه - اگر اشتباه نکنیم - به آن
 صورت هدیه گویند ، گنجینه اند ، و جوان های ملخ
 نرسیده سالکان در قله تنیده منزل سرداران ملک

کارت ہدیہ

۱.۵۰۰.۰۰۰ تومان

کدره اند؟

شیرازه این کلیه دانشهای در زهنمان شکست و
رست طعم مشهور و کازیش روشد

فہمدریم یوں ہے

دانشجو فرهنگ!!!!

از شنیده‌های ما همیچس بس تا مجالی دوباره و فرصتی
دیگر برای اشاره!

■ بیست و یکم اردیبهشت ماه در بحبوحه ی کشاکش ایران و غرب پیرامون مسئله برجام، تیتِر "دوراهی جنگ و صلح" بر روی هفته نامه صدا که وابسته به حزب کارگزاران سازندگی ایران بود رفت که واکنش و انتقادات زیادی را در پی داشت... اما اصل ماجرا چه بود؟

جان بولتون، مشاور ارشد امنیت ملی امریکا، دوهفته پیش ضمن تهدید ایران طی پیامی اعلام کرد با ارسال یک پیام صریح و بدون تعارف، به مقامات ایران، ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن را به خلیج فارس اعزام کرده است و واشنگتن قصد دارد با این اقدام نشان دهد که با نیروی بیرحمانه ایی در برابر هرگونه حمله، واکنش نشان خواهد داد. این در حالی است که ناو آبراهام لینکلن از تاریخ یکم آوریل یا دوازدهم فروردین به منظور شرکت در رزمایش ناتو برنامه عبور از خلیج فارس داشته است و نهایتا باید به سمت ناوگان پنجم دریایی در خلیج فارس می آمده، به عبارتی باید گفت بولتون، روغن ریخته را نذر امامزاده کرده است. وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) طی بیانیه ای اعلام کرد که یک ناو جنگی دیگر به نام یواس اس آرلینگتون و همچنین سیستم دفاع هوایی موشکی پاتریوت برای دفاع در برابر تهدید های ایران به خاورمیانه اعزام می کند. در حالی که تعدادی از آن ها را از منطقه خارج کرده بود.

به دنبال این موضع گیری ها، هفته نامه صدا تصویری از یک دریای آزاد که در دوردست آن یک ناو هواپیمابر و چندین ناوچه ی نظامی بر روی آب، در حالی که آسمان بالای سرشان هم با انواع هواپیماهای جنگنده پر شده و به سمت دوربین در حرکتند، به همراه تیتِر "دوراهی جنگ و صلح" منتشر کرده و به تحلیل اقدامات ایران پرداخته و این سوال را مطرح کردند که میانه روها شکست خوردند یا بار دیگر ایران را از جنگ نجات می دهند؟! با توجه به سخنان رهبر انقلاب در بیست و چهارم اردیبهشت که فرمودند جنگی به وقوع نمی پیوندد و گزینه قطعی ملت ایران مقاومت مقابل آمریکاست در این رویارویی، آمریکا وادار به عقب نشینی خواهد شد. این رویارویی، نظامی نیست؛ چون بنا نیست جنگی انجام بگیرد. نه ما دنبال جنگ هستیم. نه آنها؛ که میدانند به نفعشان نیست. این سوال ایجاد می شود که چرا جنگ نخواهد شد؟ و چرا احتمال حمله ی نظامی امریکا به ایران وجود ندارد؟!

تهدید به جنگ رویه ی همیشگی روسای جمهور امریکا بوده و هست و باید گفت جنگ به ضرر امریکااست، اگر با ایران وارد جنگ شوند، از افغانستان تا دریای مدیترانه درگیر نیروهای مقاومت میشوند. امریکا توان شروع جنگ جدید را ندارد، تمام روسای جمهور ایالت متحده برای جنگ افروزی های خود اعتراف به اشتباه خود کردند تا جایی که اوباما با شعار انتخاباتی خروج نظامیان امریکایی از منطقه خاورمیانه موفق به پس زدن کلینتون شد. هزینه های چند هزار میلیارد دلاری جنگ های گذشته امریکا، سبب می شود تا به جنگ جدیدی فکر نکنند.

سوالی که در این رابطه مطرح می شود، این است که چرا پاکستان با وجود داشتن سلاح هسته ای مورد تحریم امریکا و سازمان ملل قرار نمیگیرد؟ چون هند با داشتن سلاح هسته ای همسایه ی پاکستان است و یک تهدید برای این کشور محسوب می شود. هر کشوری که به کشور دیگر حمله کند؛ کشور دوم می تواند در آن سطحی که حمله ی نظامی به آن صورت گرفته، دارنده ی همان سلاح شود و در دنیا هم این پذیرفته شده است.

علاوه بر این موارد، وجود بازدارنده هایی مانع از شروع جنگ به وسیله ی امریکا می شود که بدین شرح است:

نقطه استراتژیک تنگه ی هرمز، نیروهای انصار... یمن در باب المندب، خطر افزایش بی سابقه قیمت نفت در جهان با حذف نفت ایران، وجود نیروهای حزب ا... لبنان در لب مرزهای اسرائیل، تشکیل هلال شیعی از افغانستان و پاکستان تا دریای مدیترانه برای دفاع از حریم شیعه و...

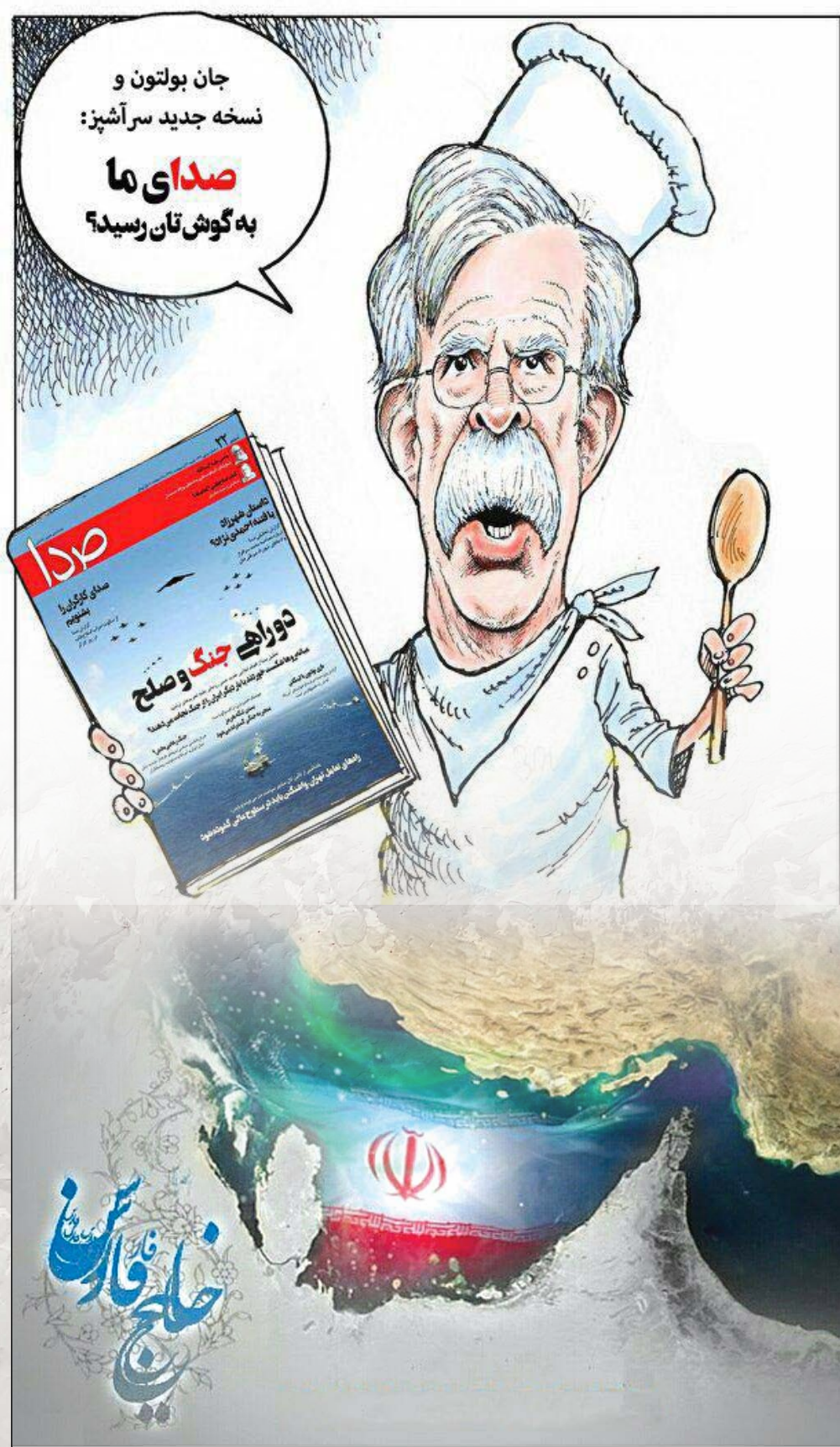
القصة این اقدام نشریه ی صدا باعث شد که دوگانه ی جنگ و صلح که پیش از انعقاد برجام، دوگانه ی برجام و جنگ نیز خوانده می شد، دوباره مطرح شود.

آنچه مسلم است این است که عده ایی در داخل سعی دارند، با وجود پیام رسمی امریکا مبنی بر اینکه تحت هیچ شرایطی، برنامه ایی برای دخالت نظامی در ایران را ندارد، تلاش کنند تا جمهوری اسلامی را طبق خواسته ی مقامات امریکا بار دیگر به پای میز مذاکره بکشانند.

این همان شگردی بود که در سال های نود و سه و نود و چهار برخی تلاش می کردند با تکمیل پازل امریکا، ملت ایران را از عواقب

دوراهی صلح و صلح

رضوان علیزاده، فاطمه حشمتی



تصمیم جمهوری خواهان در کنگره که جنگ با ایران بود؛ بترسانند و ایران را با دولت اوباما به توافق برسانند. توافقی که بیش از یک سال از خروج امریکا از آن می گذرد و جز تکرار تجربه های قبلی در برخورد با دولت امریکا چیزی نصیب ایران نکرده است. خیلی ها گمان می کنند با برجام سایه ی جنگ از سر کشور برداشته و امنیت تضمین شد. با نگاهی دقیق تر به تاریخ و با پیشرفت و قدرت گرفتن ایران در زمینه ی صنعت هسته ایی و موشکی، این دو دستاورد به عنوان دو عامل بازدارنده ی جنگ و ترس دشمن از ما محسوب میشود. آنچه در اینجا حائز اهمیت است ترس و سوءظن ان ها نسبت به اتمی شدن ایران بود؛ هرچند که دستیابی به سلاح هسته ایی هیچ گاه در دستور کار جمهوری اسلامی قرار نداشت.

با برجام خیال غربی ها را راحت کردیم که تهدید اتمی برایشان نداریم و به عبارتی خواب شبشان را آسوده تر از قبل کردیم. و چندین سال ما را در کشمکش اجرایی شدن و یا نشدنش معطل کردند تا کمبود نفت ایران را جبران کرده و راه های دور زدن تحریم ها را شناسایی کنند و در نتیجه نقاط ضعف ما را در تحریم ها پیدا کنند.

بعد از انعقاد برجام اشتون کارتر، وزیر دفاع امریکا، از کشور های عربی خواست تا علیه ایران یک ناتوی عربی مشترک تشکیل دهند و دقیقا پس از برجام بود که کشورهای عربی خلیج فارس به سمت ایران خیز برداشته و به قولی رجزخوانی کردند.

آیا این همان سایه ی جنگی بود که با برجام از سرمان برداشته شد و یا اینکه عده ایی با وادادگی و تسلیم و پذیرش منفعلانه خواسته ی غربی ها، بدون گرفتن تضمین جهت بهتر شدن اوضاع، سایه ی جنگ را بیشتر بر روی سر مردم آورده اند؟

برای نمونه مذاکره با واشنگتن چگونه سایه ی جنگ را بر سر لیبی گستراند؟ تجربه ی قذافی و مذاکره ی این کشور با امریکا نشان می دهد که سیاستمداران واشنگتن با استفاده از حربه ی مذاکرات و برقراری رابطه، ضمن برچیدن برنامه ی هسته ایی طرابلس هر مانعی بر سر راه حمله به لیبی را برداشتند.

جالب اینجاست که قذافی هم بارها در سخنان خود، به این مسئله اشاره کرده که هدف از مذاکره با امریکا و بریتانیا و تحویل کامل

برنامه ی هسته ایی این کشور، رفع تحریم ها و رونق اقتصادی این کشور بود. مثل وعده های انتخاباتی ایی که در سال نود و شش مطرح و با استقبال مردم روبه رو شد

حال این سوال مطرح می شود که با وجود شرایط و ظرفیت های گفته شده راهبرد جریان انقلابی برای ادامه مسیر پیش رو چیست؟

آنچه که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم به آن می پردازد به تصویر کشیدن یک شمای کلی از آینده و مسیر حرکت به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی است. رهبر انقلاب در بخشی از این بیانیه به بررسی عزت ملی، روابط خارجی و مرز بندی با دشمن می پردازد.

عزت ملی، روابط خارجی و مرز بندی با دشمن هر سه شاخه هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین المللی اند. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت کار تعدادی از دولت های اروپایی را خدعه گر و غیر قابل اعتماد می داند.

دولت جمهوری اسلامی باید مرز بندی های خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش های انقلابی و ملی خود یک گام هم عقب نشینی نکند، از تهدید های پوچ آنها نهراسد و در همه حال عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت جویانه و البته از موضع انقلابی به حل مشکلات خود با ان ها بپردازد.

در مورد امریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با ان جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

آنچه از صحبت های رهبر انقلاب برمی آید این است که جنگی صورت نخواهد گرفت. این بدان معنا است که ایران به دنبال هیچ گونه درگیری نظامی نیست و خواهان صلح جهانی است. اما این صلح به معنای زیر پا گذاشتن عزت و اقتدار ملت ایران و کشاندن مجدد به پای میز مذاکره نیست.

چنانچه رهبری در این مورد تاکید داشته اند که مذاکره سم است و مذاکره با امریکا، سم مضاعف است. آنچه قطعی و مسلم است این است که جریان انقلابی به دنبال یک صلح در قالب حفظ عزت ملی است بر خلاف آنچه که لیبرال ها سعی در اعمال ان دارند.

خط قرمز جریان انقلابی، صیانت از عزت و اقتدار ملت ایران است و با هر جریان و حزب سیاسی که حرکتی در تضاد با عزت ملی انجام دهد، برخورد خواهد کرد..

استاد تأخیری در گروه های مثلا درسی!!!!!!

← سید محمد جعفری

توی کلاس نشستم بورد ، منتظر امتحان! با اضطراب واسه آخرین بار مرور میکردم. بعضی ها هم با ظریک آسود و چهره ای مطمئن داشتند آخرین روش های "کلمت به هم" را مشاهده می کردند. کم کم ساعت ۱۰ شد و کلاس هم شروع.

پنج دقیقه گذشت... استاد نیامد. بازتره دقیقه گذشت... باز هم نیامد. اگر چه تا یک ربع امری طبیعی است در دانشگاه، ولی بعد از گذشت نیم ساعت هم خبری از جناب استاد نشد. کم کم در شرف رخصت بودیم که ندا آمد: بنشینید. استاد گرامی در حال بازبرد میدانی است، یک دقیقه صبر کنید که من آیکم لکن اندرک زیر تر!

از معضلات داشتن استاد دو شخه در دانشگاه همین است! بالاخره بعد از یک ساعت و اندرک آمدند!!... آمدی که جانم به قربانت ولی حالا چرا!... با خورم فکر میکردم یعنی زمان دانشجوی بر ایا استاید بزرگوار چه قدر اهمیت دارد؟ اصلا دارد؟

آنوقت چه انتظاری از ما دارند که حتی پنج دقیقه تاخیر هم نداشته باشیم؟!

با استاد گرامی که تا دهفتم پس از شروع ترم با بین ترم ، کلاس گذاشته است و الان که دانشجوی بیچاره شش یک هفته فرجه ی بیشتر هست ، قطار کلاس های جبرانی شروع به حرکت کرده و معلوم نیست که کی بازمی آید.

من با مشکلات یا اتفاقاتی که هر از گاهی برای استاید عزیز می افتد و مجبور تعطیلی کلاس میشود کاری ندارم اما چرا باید این روال در سیستم

ظهر دوشنبه

← فائزه هوشنگی

ظهر دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه بود که جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به ضوابط مربوط به پوشش دانشگاه تجمع کردند. تجمع اعتراضی که با فراخوان های گسترده در شبکه های مجازی وبدون حمایت رسمی تشکل های دانشجویی با هویت نامشخص وسازماندهی جدی برگزار شد.

برای توضیح مسائل رخ داده ذکر چند نکته حائز اهمیت است. نخست آنکه واقعیت دانشگاه تهران برخلاف بسیاری از دانشگاه ها بدین صورت است که هیچ معیار درست فرهنگی برای پوشش تعریف نمی کند، مثال بارز در این رابطه نیز نحوه پوشش دانشجویان دانشکده هنر های زیبا می باشد.

غفلت و بی توجهی نهاد های فرهنگی و مسئولین دانشگاه به خدی است که ۱۱۸ نفر از اساتید دانشگاه تهران در مهر ماه ۹۷ طی نامه ای به ریاست دانشگاه نسبت به مصرف سیکار و دخانیات ، عدم رعایت احکام اسلامی و شیوع بد حجابی اعتراض کردند که البته این نامه بی پاسخ ماند.

این عدم توجه ، خود باعث شده دانشجویان معترض

اموزشی دانشگاه باشد؟ تعطیلی پشت تعطیلی ...

آیا قانونی در این زمینه هست که استاد هر زمان بخواهد کلاس برگزار کند یا نگویند؟

چرا مطالبه ی دانشجوی در این زمینه نیست؟

البته جای تطبیق نیست به نظرم ، بعضی استاید طبعی کردند و برای جریان زمان های تلف شده اصرار به تأسیس گروه های تلگرامی مثلا درسی نمونه اند! خوشبختانه با ظهور عصر جدید ارتباط و بهمدریام رسان های داخلی که نه... خرجی! فضای گفتگو درون کلاسی بیشتر شده. تا سال ها پیش از این با هزار بدبختی وفرانکت هم نمی شد با هم کلاس عزیز ارتباط برقرار کرد البته صرف جهت مطالب درسی! ولی حالا کفایت اراده کنی و با تمام دوستان ارتباط حتی زنده برقرار کنی!

همیشه که اشاره شد، یکی از فواید چنین پدیده ای تشکیل گروه های کلاسی جهت رفع مشکلات درسی است. هرفش هم که میدانید صرفه جویی در وقت کلاس و مشارکت حداکثری دانشجویان.

ولی فکر کنم تنها کاری که در این گروه های بشارت فعال انجام نمیشود رفع مشکلات درسی و صرفه جویی در وقت کلاس است! گروه مشارکت حداکثری تا دهان بخواهد هست! البته منظورم تعداد اندرک از گروه های کلاسی بود مثلا شاید دو تا گروه در کل دانشگاه!

پیشنهادی دارم درخور تأمل ، اگر خود ما هدف واقعی درسی خواندن نداریم ، لااقل اسم گروه را تغییر بدیم که بتوانیم کمی آزادانه تر فعالیت کنیم!



پوشید ، گروه هایی که با بی توجهی مکرر و بنظر عامدانه مسئولین در حال نقش گرفتن در مسائل سیاسی اجتماعی و فرهنگی این روزهای دانشگاه هستند.

فعالیت این جریانات دانشجویی به مانند قطعات یک پازل که روزی به شکل تجمعات در دی ماه ۹۶ ، روزی به شکل تحصن در ایام امتحانات دانشگاه

و یا در دانشگاه های دیگر (بطور مشخص دانشگاه های زنجان و الزهرا) با پنهان شدن پشت شکل های اصلاح طلب و مطالبات متفاوت صنفی سیاسی و فرهنگی به دنبال کامل کردن یک طرح کلی می باشد.

بنظرمی رسد راهکار مقابله با چنین اتفاقاتی ، برخورد های انضباطی و شدید و عکس العمل های هیجانی نیست بلکه تنها راه ، افشا و نقد دقیق مواضع این جریانات ، روشنگری و البته اقدامات مسئولین در جهت حل دغدغه های دانشجویان با نقش گروه های چپ و مارکسیسم بعنوان جریانات تأثیرگذار فضای دانشگاهی در سالهای اخیر چشم

گزارشی از یک دیدار و صد ها دغدغه

← شهر بانو حسینی



تصمیم گرفته ایم این نزاع واقعیت و مجاز را به نفع حقیقت انقلاب اسلامی پایان دهیم؛ هر چند اعوان و انصار غرب در داخل نخواهند؛ همان ها که این سالها، بزرگترین ضربه را به آزادی و آزاد اندیشی زده اند. جریانی که خود دم از آزادی می زند، اما به دنبال حصر آزادی است! مگر می شود مدعی آزادی بود، اما دانشجوی را تهدید به اخراج از سالن مراسم «روز دانشجوی» کرد! مگر می شود از آزادی دم زد اما نشریات دانشجویی را به خاطر درج چند علامت تعجب، توقیف کرد. مگر می شود از آزادی گفت اما به اتهام انتقاد از مدیریت دانشگاه از نشریات دانشجویی به قوه قضائیه شکایت برد.

نمی توان با ادعای مکرر آزادی از پشت تربیون، نان آزادی را خورد! دوصد گفته چون نیم کردار نیست! گلایه مان از مسئولان امری است که به جای فراهم کردن فضای آزاد اندیشی و تضارب دیدگاه ها مطابق با منطق و قانون، با تمام توان به تقابل سلیقه ای با نشریات می پردازند. روزی در وزارت علوم چون نتیجه به نفعشان نیست انتخابات نشریات را به تعویق می اندازند! و روزی در وزارت بهداشت به رای اکثریت احترام نمی گذارند. هرکجا فعالیت دانشجویی آب به آسیاب لیبرالیزم نریخت؛ چوب لای چرخش می کنند! چطور است که معاونت های فرهنگی وزارتین علوم و بهداشت برای جشنواره های نسبتاً بی فایده خود، صد ها میلیون خرج می کنند، اما نوبت که به نشریات دانشجویی می رسد، کفگیر به ته دیگ خورده است.))

در پایان با تاکید بر اهمیت ظرفیت های بزرگ رسانه ای و حضور فعال ، پویا و جوانانه در راستای گام دوم انقلاب برای تبدیل این امر به یک فرهنگ عمومی، لازم دانسته شد نیروهای خوش فکر، اهل قلم و انقلابی دانشجویی مورد توجه مطبوعات و رسانه ها، قرار بگیرند تا روح تازه ای در کالبد جریان رسانه ای کشور دمیده شود.



روز چهارشنبه ، اول خرداد سال ۱۳۹۸ دیدار رهبر انقلاب با جمعی از دانشجویان فعال در زمینه های سیاسی اجتماعی برگزار شد. در این دیدار نماینده نشریات دانشجویی به بیان انتقادات ، تبیین مواضع ، مطالبات رسانه ای و ارائه راهکارهایی برای ارتق و فق امور پرداخت که در اینجا بنا به ضرورت ، پاره ای از مطالب ایشان را به اجمال ذکر میکنیم:

رضا پیوندی ، در این دیدار با تبیین اهمیت رسانه به عنوان رکنی از ارکان مردم سالاری و هم چنین یاد کردن از اصولی چون استقلال، آزادی، عدالت، کارآمدی، امنیت و معنویت به عنوان مولفه های اساسی که انقلاب اسلامی برپایه آنها و برای تحقق آنها شکل گرفته است ، به طرح این پرسش پرداخت که رسانه چقدر در کمک به تحقق این اهداف موفق بوده است؟ که در پاسخ میتوان گفت مع الاسف در بازنمایی رسانه ای عملکرد چهل ساله نظام، چندان موفق نبوده ایم و رسانه هنوز نتوانسته حداقل هایی از واقعیت های محقق شده در هر یک از آرمان ها را به تصویر بکشد!

نماینده نشریات دانشجویی بر همین اساس ، در تحلیل وضعیت رسانه سه رویکرد را با این ادبیات مطرح کرد:

((رویکرد اول را می توان نگاه تهدید محور به رسانه نامید. نگاهی که راه حل مساله را در پاک کردن صورت آن می داند و نسبت به افکار عمومی بی تفاوت است. به عنوان مثال رویکرد صدوسیما از این منظر قابل نقد است. نگاهی که از کنار واقعیات اجتماعی می گذرد و به جای پرچم داری مطالبات مردمی، در اخبار، روابط عمومی حاکمیت و در برنامه سازی، منبع درآمدی برای ستاره مربع ها و سلبریتی ها شده است!

این رویکرد در قوه قضائیه تنها راه حل تعامل با

مطبوعات را بر خوردهای بعضاً سلیقه ای می داند. و رویکرد دوم اما آگاهانه یا ناآگاهانه، عامدانه یا جاهلانه در صدد تناد آیینیه ها شفاف نباشند! تا مردم نتوانند قضای واقعی پیرامون کارنامه چهل ساله انقلاب اسلامی داشته باشند! و به دروغ می خواهند اینگونه القا کنند که آرمان های اساسی انقلاب محقق نشده! سفارتخانه هایی کاغذی، که ضرر و زیان تعویق عقد برجام را روزی هزارمیلیارد تخمین می زدند و امروز نیز همه چیز را به انتخابات آتی آمریکا گره می زنند.

می خواهند میان واقعیت آزادی و احساس آزادی، واقعیت عدالت و احساس عدالت، واقعیت کارآمدی نظام و احساس کارآمدی شکاف ایجاد کنند. شکافی مهلک، که پرچمداران آن رسانه هایی هستند که امضای جان کری را تضمین می دانستند.))

وی در ادامه خاطر نشان کرد:

((رویکرد اول و دوم هر کدام به نحوی به تصویر سازی واقعی لطمه می زند.

رویکرد سوم اما، رویکردیست که حضرتعالی هم بارها به آن اشاره داشته اید. نگاه به رسانه با دید فرصت محور، در عین شناخت تهدیدها. رویکردی که معتقد است جمهوری اسلامی باید در رسانه حضور فعالانه داشته باشد و ابتکار عمل را در تمامی موارد در قبضه جبهه واقع گرا حفظ کند. در مقام بیان باشد، نه در مقام پاسخ به ابتکارات دشمن. حضوری فعالانه و پویا، که هم داخل و هم خارج از ایران را تحت تاثیر انقلاب اسلامی قرار دهد.))

در فراز بعدی بیانییه، انتقاد ها از عملکرد جریان هایی که با ندای آزادی در حوزه رسانه ، آزادی را به مخاطره انداخته اند و موضع نهایی مجموعه نسبت به این وقایع رخ داده بدین شکل بیان شد:

((ما به عنوان دانشجویان دست به قلم و پای کار گام دوم انقلاب و معتقدان در رویکرد فعالانه در رسانه،

عزیزم کجایی؟ دقیقا کجایی؟!

ساعت ۵/۵ عصر بود، هوا ابری بود و دانشگاه تقریبا خلوت بود منم خسته از کارآموزی صبح و کلاس های بعد از ظهر داخل تریای دانشگاه نشسته بودم پشت میز و منتظر بودم تا چائیم سرد بشه و درحالیکه به فضای پشت پنجره خیره شده بودم داشتم با خودم فکر میکردم: یعنی رئیس دانشگاه چه شکلیه؟!

راستش چند سالی هست که دانشجوی اینجام و سالها فکر من این است و همه شب سخنم، که چرا غافل از احوال رئیس دانشگاه ام... اون اوایل با خودم میگفتم رئیس دانشگاه ویژه است و با خودم عهد بستم که رئیسو ببینم... اما چجوری؟!

گفتم کاری نداره که به مراسم تقدیری جشنی چیزی میگیرم و از رئیس دانشگاه دعوت میکنم که بیاد اونجا.

رفتم و کارای اداریشو انجام دادم و به دعوت نامه ی اختصاصی برای شخص رئیس ارسال کردم. روز جشن فرا رسید خیلی ذوق داشتم برا همین مته به خنگ شاد باکت اسپرت آبی و شلوار پارچه ای قهوه ای وایستادم دم در تا زودتر از همه رئیس دانشگاه رو ببینم... همه اومدن تقریبا به ساعتی بود برنامه شروع شده بود ولی خبری از جناب رئیس نبود؟!

وقتی از معاونش پرسیدم رئیس کجاست پس؟! اون گفت وی سمینار است!!!!!!

خیلی ناراحت شدم ولی به حسی تو وجودم میگفت نه تو نباید تسلیم بشی البته اینکه شب قبلشم فیلم خارجی انگیزشی دیده بودم تو حسم بی تاثیر نبود...

یه مدت گذشت و مقدمات یه برنامه دیگه رو فراهم کردم، اما جونم براتون بگه که همون آش و همون کاسه!!!!

وقتی پرسیدم رئیس کجاست پس؟! (البته این

دفعه با کمی عصبانیت بیشتر) آنها فرمودند وی ماموریت است!!!!

رفتم از دانشجویهای دیگه پرسیدم اتاق به اتاق خوابگاهو چک کردم!

بچه ها شما تا حالا رئیسو دیدین؟ عکسی ازش ندارین نشون من بدین؟

هیچکس ندیده بود!

بعضیا تو اتاقا فقط داستان هایی که از نیاکان به ارث رسیده بود رو درباره ی رئیس تعریف می کردند و خودشونم مطمئن نبودند راسته یا دروغ؟!!

یکیشون گفت که ما دعوتشون کرده بودیم تا مشکلات بچه ها رو حل کنیم ولی نیومد گفتن کسالت داره....

اون یکی گفت: احتمالا سرش خیلی شلوغه که هیچکس اونو ندیده...!

یکی که بنظر با تجربه تر از بقیه میومد وسط حرفش پرید و گفت: مثلا رئیس دانشگاه چه کاری میکنه که حتی ۱۵ دقیقه برای دیدار با دانشجو وقت نمیداره...!!!!

سکوت سنگینی فضا رو پر کرد و سکوت فکر من رو درگیرتر کرده بود....

با خودم گفتم این راهش نیست من باید رئیس رو ببینم...

رفتم یه سرچی توی اینترنت زدم و اخبار رئیس دانشگاه رو پیگیری کردم:

یه خبر ازش بود که تاریخش مال یکسال پیش بود و نوشته بود:

رئیس دانشگاه فلان: اخیرا متوجه شده ام که میزان شوق خدمت در من کاسته شده و میخواهم استعفا دهم....

یه خبر دیگه بود که نوشته بود میخواد ادامه تحصیل بده و داره برا کنکور میخونه...(البته کنکور فوق تخصص)!!!

رفتم تو کف شهر از مردم و کاسبا سراغ جناب رئیس رو گرفتم...

کتابفروشی میگفت: اتفاقا رئیس یک ربع پیش اینجا بود و کلی کتاب های گاج و منتشران ازم خرید باید بری برگردی توی آموزشگاه ها پیداش کنی...

یک فروشنده ی لباس میگفت دیروز اومده بود مغازم شال و کلاه خرید.

با تعجب گفتم: شال و کلاه واسه چی؟ گفت: چون میخواد بره اونور آب!!!!

عطاری میگفت: رئیس چندوقت یکبار میاد اینجا و از من به لیمو میخوره...

گفتم: به لیمو؟!؟! به لیمو واسه چی؟! عطار گفت: به لیمو تقویت کننده ی شوق خدمته!

واقعا دلواپش شده بودم و به فکر رسید که برم توی روزنامه توی بخش گمشدگان مشخصاتش رو بزنم اما اینکارو نکردم چون مطمئن نبودم که رئیس اصلا روزنامه میخونه یا نه؟! یه مدت به حرف اون کسی که میگفت ((رئیس دانشگاه چیکار میکنه که ۱۵ دقیقه برای دانشجو وقت نداره!!)) فک کردم...

رئیس واقعا کارش چیه؟! شاید یه روزی یه مسابقه توی دانشگاهمون برگزار کنم و این سوالو از دانشجویها بپرسم...

هنوز غرق فکر بودم که همکلاسیم زد به شونم و گفت: بدو سریع چائیتو بخور ساعت ۶ کلاس داریم...

سریع به خودم اومدم چائیمو برداشتم بخورم که کل سیستم گوارشم از داغی چایی دچار سوزش شد!!!!

واقعا این چایی های تریا چرا سرد نمیشن؟!؟!؟! یه روزی رئیس دانشگاهو می بینم این مشکل چاییارو باهاش درمیان میزارم...

شعر طنز دانشجویی

← مهدی عباسی

حالم از وضع صورت تم پیداست!
زخم پاشیده اند بر نمکم!
چند وقتییست خسته ام از خویش،
مثل دیوار های پرتکرّم!

باید اینجا و روی این استیج،
مثل یک شاخه مرطّب باشم!
گرچه سخت است، لااقل یک بار،
شاعری خوب و باادب باشم!

حرفی از نقد بی جهت نزنم!
آمده ام: حرف بد نزنم!
حرف های صریح و بی پرده
مثل برنامه ی نوّذ نزنم!

صحبت از اینکه در کلاس درس،
فکر من پیش اوست، ممنوعست!
باز خومیکنم به تنهایی!
رفتن پیش دوست ممنوعست

صحبت از اینکه درس خواندن هم،
گرچه پاکی، تو را پلید کند!!!
روزهایی به این قشنگی را،
لحظه ای درس ناپدید کند!!!

صحبت از اینکه حضرت استاد
هفته پیش بود، یکشمیه؛
روبه من کرد و گفت: می افتی
قطعا این درس را و گفت به

بگذریم از حدیث درس و بحث،
نکته در این سخن فراوان است
گفت باید کمی ز دانشگاه
که رئیسش همیشه پنهان است!

گرچه حالات و وضع دانشگاه،
مثل پلدختر است و معمولان!
گوربابای هرچه درد سر!
گوربابای نقد مسئولان!

نیک بختم! مقیم بجنوردم!
وضع دانشکده به سامان است!
هرچه هم انتقاد گفته شده،
همگی تهمت است و هذیان است!

اندکی بس کنید غرّ غرّ را،
پرچم نقد را نیفرازید!
جای این حرف های بیپوده
منتقدها! به خود بپردازید!

شکر ایزد به لطف وقت کم،
و به لطف غذای کافوری،
فرجی شد وگرنه شعر من،
داشت می رفت جای ناجوری

...